****

[ادله عدم اجزاء نیابت معذور 1](#_Toc487474404)

[دلیل سوم 1](#_Toc487474405)

[نقد دلیل سوم 1](#_Toc487474406)

**موضوع**: حکم نماز ملحون /نماز طواف /حج، واجبات طواف

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

## ادله عدم اجزاء نیابت معذور

### دلیل سوم

این دلیل نیز در کلمات محقق خوئی ذکر شده است، ایشان فرموده: استنابه ای که بر منوب عنه واجب است، دو فرد دارد، یکی فرد اختیاری و دیگری فرد اضطراری، استنابه فرد مختار، استنابه اختیاری است و استنابه فرد مضطر، استنابه اضطراری است، ارتکاز بر این است که تا شخص متمکن از فرد اختیاری است، وظیفه او به فرد اضطراری منتقل نمی شود.

#### نقد دلیل سوم

ایشان دلیل نیاورد بر این که استنابه، فرد اختیاری و اضطراری داشته باشد، بله، نائب مضطر و مختار داریم، اما به چه دلیل استنابه مضطر، استنابه اضطراری باشد؟ هذا اول الکلام.

ان قلت: فعل نائب معذور چون وافی به تمام ملاک واجب نیست، لذا مستتنیب باید کسی را نائب بگیرد که فعلش وافی به تمام ملاک واجب باشد، و این که فعل نائب مضطر وافی به تمام ملاک واجب نیست از این جهت است که اگر وافی می بود، عمدا هم می شد انسان خودش را مضطر کند و عدم جواز آن نشان از نقصانی در حج معذور دارد.

قلت: هذا اول الکلام، به چه دلیل حج معذور، حج ناقص است؟ مثلا تعظیم انسان قادر و تعظیم انسان عاجز، آیا تعظیم عاجز از قیام که با تکان دادن دست تعظیم می کند، ناقص است؟ قطعا از او ناقص نیست، نماز غریق که یک الله اکبر است، از غریق که ناقص نیست، بله، اگر مختار چنین نمازی بخواند، نمازش ناقص است، اما از خود غریق که ناقص نیست، در حج نیز معذور اصلا مکلف به حج اختیاری نبوده است و دلیلی بر ناقص بودن حج او وجود ندارد، بلکه حج او کامل است.

اشکال دیگری بر عبارت مناسک محقق خوئی وارد است، زیرا نظر ایشان چنین شد که نیابت معذور در حج واجب و یا در نماز واجب، مجزی از منوب عنه نیست، ولی پس چرا در مناسک در بحث نیابت گفته اند: من کان معذورا فی ترک بعض الاعمال او فی عدم الاتیان به علی وجه الکامل لایجوز استئجاره بل لو تبرع المعذور یشکل الاکتفاء بنیابته.

اگر نظر شما عدم اجزاء است، پس چرا در متبرع احتیاط واجب نموده اید؟ بلکه باید فتوا به عدم اجتزاء به عمل نائب داده شود بعد از این که فتوای ایشان عدم اجتزاء است، و گرنه وجهی نداشت که فتوا به بطلان اجاره بدهند.

اتفاقا دیدیم که خود محقق خوئی همین اشکال ما را به صاحب عروه وارد کرده در کتاب الصلاة در موسوعه ج16 ص 241، صاحب عروه همین مطلب مناسک را گفته و محقق خوئی همین اشکال را کرده که وقتی نظر شما عدم اجزاء نماز معذور از دیگران است و لذا اجاره او باطل است، پس چرا گفته اید یشکل الاکتفاء بعمله لو تبرع.

اما ما بعید نمی دانیم که در حج واجب، نیابت معذور مجزی نباشد.